

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هفدهم / دوره جدید / شماره ۵۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۱۲۵-۱۴۰ (مقاله علمی - پژوهشی)

مقام و جایگاه حضرت مریم (س) در دین مسیحی و مقایسه آن با اسلام

• مریم سادات آقامیری

دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
m.aghmirii@gmail.com

• عبدالحسین لطیفی

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

hoseinlatifi89@gmail.com

• محمودرضا اسفندیار

دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mresfandiar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۹

چکیده

شناخت جایگاه مریم (ع)، مادر عیسی مسیح (ع) در دین مسیحی اهمیتی تردیدناپذیر دارد؛ اما مقایسه آن با جایگاه مریم (ع) در اسلام، و به ویژه در قرآن بسیار آموزنده است. در *اناجیل*؛ مریم حضوری بسیار کمرنگ دارد؛ در حالی که در قرآن وی از شأن و منزلت والائی برخوردار است. با این وجود چرا مریم در میان مسیحیان به مقام مادر الهی برکشیده شد؛ اما در میان مسلمانان چنین جایگاهی ندارد؟ آیا نقش میانجی بودن مریم باعث بالا رفتن جایگاه وی در میان مسیحیان شده است؟ در عین حال، در اسلام، مریم (ع) با روح الهی باردار شده و مقامش در حدی است که به او وحی می‌رسد. آیا در قرآن بر عصمت مریم (ع) گواهی شده است؟ این نوشتار در صدد آن است که اهمیت، نقش و ماهیت این قدیسه را در میان پیروانش و همچنین جایگاه مریم (ع) را در قرآن به اجمال مورد مطالعه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: مریم، مسیحیت، اسلام، مادر عیسی، ذات مؤنث.



۱۲۵



مقدمه

مریم در تحقیقات مربوط به تاریخ مسیحیت جایگاهی بس مهم دارد. او پدیده‌ای در تاریخ دین مسیحی است که از ابتدای شکل‌گیری این دین حضور داشته و با گذشت زمان جایگاه‌های اعلایی یافته است؛ در واقع مریم را مادر کلیسا دانسته‌اند. به علت اهمیت فوق‌العاده‌ای که مریم در این دین دارد، مورد توجه محققان قرار گرفته و کتب و مقالات بسیاری درباره او نوشته شده است. در دین اسلام نیز حضرت مریم (ع) از جایگاهی متعالی برخوردار است؛ چنان‌که تنها یک شاهد بر این سخن آن است که در قرآن، نام مریم ۳۴ بار آمده است؛ در حالی که نام حضرت عیسی (ع) ۲۵ بار ذکر شده است. این مقاله قدمی در راه شناخت مریم در دین مسیحی و مقایسه اجمالی آن با نظر اسلام در مورد وی با اتکا به قرآن کریم است.

در این میان به‌خصوص به جنبه مؤنث بودن مریم نگاهی ویژه شده است. مسئله اساسی در این مقاله بررسی جایگاه مریم در جامعه مسیحی و مقایسه آن با اقوال موجود درباره او در قرآن است. فرضیه اصلی مقاله، نقش مریم به عنوان مادر جوامع مسیحی است. انسان‌ها حتی در زمانی که به بلوغ کامل رسیده باشند، باز در جستجوی مادری هستند که آنها را در دامان پُر مهر خود حفظ کند؛ به این علت، وجود فرد مؤنثی که ویژگی‌های الهی داشته باشد را پذیرفته‌اند تا با این تجربه دینی به آرامشی عمیق دست یابند. همچنین باکره بودن مریم بدان تعبیر شده که او از گناه پاک و عاری بوده است؛ اما آیا در مورد گناه فطری بشر نیز این تصور وجود داشت که مریم مبرا از آن بوده است؟ آیا در قرآن به مسئله عصمت مریم (ع) پرداخته شده است؟ این مقاله در جهت پاسخ دادن به سؤالاتی از این قبیل نوشته شده است.

روش مورد استفاده این مقاله توصیفی-تحلیلی است؛ بدین طریق که جزء به جزء موضوع مورد نظر بررسی و توصیف می‌شود تا از مجموع آنها چشم‌انداز کلی و

آگاهی جامع از موضوع حاصل آید؛ علاوه بر آن باید خاطر نشان کرد که موضوع در بستر تاریخی و با تأثیر و تأثرهای زمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس تعلیم سنتی مسیحی، عیسی پسر خدا و دومین شخص از سه شخص تثلیث (پدر، پسر، روح القدس) است؛ درباره دومین شخص تثلیث (عیسی مسیح) گفته می‌شود که او هم خداست و هم انسان. مسیحیان می‌پذیرند که مسیح رابطه خاصی با خدا دارد؛ او کلمه لوگوس (Logos) خدا و پسر خداست. عیسی با اینکه پسر خداست، انسان هم هست؛ زیرا از مریم زاده شده است.^۱ او در زهدان مریم تجسد یافت و این تجسد بزرگترین رویداد تاریخ است. وقتی که او این جهان را ترک کرد و به آسمان رفت، شاهد همیشگی خود را در جهان باقی گذاشت و او روح القدس است که شاهد ازلی است.^۲ بعد از عیسی مسیح، مهمترین شخصیت در دین مسیحی مریم (مریم مقدس، مریم عذراء) است و او بالاتر و برتر از همه قدیسان این دین است و در رأس آنها جای دارد.

مریم دختر عمران، زن پارسایی است که تهمت‌ها و شماتت‌های ناروایی از سمت یهودیان گریبان او را می‌گیرد؛ اما او جز خدا پناهی نیافته و وحی نیز او را دریافت کرده است که اندوه مدار؛ چرا که معجزاتی برای نجات تو در نظر گرفته شده است؛ بنابراین او ایمان قوی داشته و دل به خدا سپرده و رسالت پروردگارش را به انجام رسانیده است.^۳

دیلمی در کتاب خویش آورده است که روح الامین چون اضطراب مریم را دید، گفت: «جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام که بدو پناه می‌بری و مرا اینجا فرستاده تا بر تو پسری پاک و ستوده برای نبوت بخشم تا واسطه بخشش پروردگار عالمیان شوم».^۴ در تفسیر آیه ۴۲ از سوره آل عمران آمده است که

1. *The Wordsworth Dictionary of Beliefs and Religions*, p.327.

2. *Encyclopaedia of Religion and Religions*, pp.95-6.

۳. مریم، ۱۹-۲۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۰.

۴. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۰.



تفسیر میبیدی این گونه مطرح می‌شود که نوحه جبرئیل به فرمان حق به مریم رسید و باردار شد؛ در واقع نوحه جبرئیل روح است و روح در اینجا به معنای رحمت خداوند است که بر مریم نازل شده است.^{۱۰}

در کشف الاسرار آمده است که فرزند مریم «روح‌الله» بود؛ این سخن در واقع اشاره به آیه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی نساء دارد که در آن برای عیسی چهار نام مسیح، عیسی، کلمه و روح را ذکر می‌کند؛ یعنی اینکه عیسی رسول خدا و به‌وجودآورنده کلام خداست که آن سخن از جانب حق بر جان مریم عطا شده است.^{۱۱}

در کتاب مقدس، عهد جدید، مریم در حالی که هنوز دوشیزه و نامزد یوسف بود، به‌وسیله روح‌القدس باردار شد (بارداری در عصمت) (Immaculate Conception) و عیسی را به دنیا آورد. او گاه در ضمن فعالیت‌های مسیح ظاهر شده و در هنگام تصلیب نیز حضور داشت. گفته شده که او در اورشلیم درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. او در کلیسای کاتولیک رمی (وارتدکس) جایگاهی برجسته دارد و شایسته نیایش است. بعضی آثار آپوکریفایی (Apocrypha) هم درباره وی نوشته شده است؛ از جمله «انجیل مریم» و «انجیل تولد مریم».^{۱۲}

میرخواند در کتاب خویش آورده است که اولین کسی که از حمل مریم آگاهی یافت، یوسف نجار بود که در بیت‌المقدس عبادت می‌کرد. چون یوسف از حال مریم آگاه شد، بسیار اندوهگین گشت و به مریم گفت من راجع به زهد و تقوای تو دچار تردید شده‌ام؛ آیا هیچ زرع بی‌بذر و هیچ بذری بی‌زرع وجود دارد؟ مریم پاسخ داد که آیا می‌گویی که خدای تعالی اول زرع را آفرید از پی‌بذر یا اینکه اول بذر را آفریده است؛ شاید هم ادعا می‌کنی هر دو را با هم آفریده و هیچ‌کدام از یکدیگر حاصل نشده است. دوباره یوسف

خدای عالمیان، کردگار جهانیان، مریم را بناوخت و به وی کرامت‌ها عطا کرد و او را بدین کرامت‌ها بر زنان جهانیان تفضیل داد. در واقع خداوند در ابتدا کرامت را بر مریم بخشید و سپس او را به اصطفاًیت مزین نمود.^۵

در تفسیر اطیب البیان در مورد «کلمه الهه» که خداوند به مریم (ع) القا کرد، آمده است: «همه عالم کلام حق تعالی است و اینکه تأکید شده که کلمه الهه به مریم (ع) القاء شد نشانه‌ای از عنایت الهی است که به مریم (ع) تعلق گرفت و موهبتی که نصیب او شد و اینکه خدا از روح خود در عیسی دمید مشابه است با اینکه خداوند روح خود را به آدم افاضه کرد».^۶

ابوالفتوح رازی روایتی از کلبی نقل می‌کند که روزی جماعتی از جهود عیسی را ناسزا گفتند. وی در پاسخ آنان گفت: «بار خدایا! تو خدای منی و من از روح تو آمدم و مرا به کلمه خود آفریدی ...».^۷

در تفسیر نور گفته شده مراد از کلمه الهه انبیاء و اولیاء است؛ زیرا آن‌ها بیان‌کننده‌ی کمالات پروردگارند. در این کتاب همچنین احتمال داده شده که مراد از کلمه، جمله «کُنْ فیکون»^۸ باشد که کلمه خداوند است و به آفرینش اشاره دارد و اینکه گفته شده عیسی کلمه خداست بدان معنی است که او آفریده خداست. این آیه بر وحدانیت خدا تأکید دارد و کسانی که خدا را در پدر و پسر و جبرئیل (میانجی بین آن دو) می‌دانند (مسیحیان) به کفر فرو می‌افتند. عیسی به مریم نسبت داده شده تا گمان پسر خدا بودن را منتفی کند.

همچنین، در مورد اینکه عیسی (ع) روحی است از خداوند است، تفسیر مزبور از امام صادق (ع) نقل می‌کند که مقصود از «روح منه» روح خداست که خداوند آن را در آدم و در عیسی (ع) قرار داد.^۹ در

۵. کشف الأسرار، ج ۲، ص ۱۲۷.

۶. اطیب البیان، ج ۱۳، ص ۴۱۰.

۷. روض الجنان، ج ۶، ص ۱۷۸.

۸. آل عمران، ۴۷؛ مریم، ۳۵.

۹. تفسیر نور، ج ۲، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۱۰. کشف الأسرار، ج ۲، ص ۷۸۰.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۷.

12. The Wordsworth Dictionary of Beliefs and Religions, p.328.



پرسید آیا هیچ درختی بی آب نشو و نمو یافته است؟ مریم پاسخ داد که اول خدای تعالی درخت را آفریده است و بعد از آن آب را سبب حیات وی گردانیده است. سپس یوسف سؤال کرد آیا هیچ فرزندی بی پدر بوجود آمده است؟ مریم گفت: بله؛ آدم و حوا نه پدر داشتند و نه مادر. در پایان یوسف از گفتار خویش استغفار نمود و گفت اکنون ملتمس آن هستم که مرا از حقیقت حمل خویش آگاه گردانی.^{۱۳} در تفسیر روض الجنان آمده که در روایت است که مریم (ع) پسرعمی داشت یوسف نام؛ چون بدو گفتند که مریم (ع) باردار است، آمد و چون دید درست است، تصمیم به کشتن مریم (ع) گرفت؛ اما جبرئیل در همان حال حاضر شد و به او بانگ زد که تعرض مکن؛ زیرا او از روح القدس باردار است. یوسف از آن پس خود را در خدمت مریم (ع) قرار داد.^{۱۴}

گفته شده که مریم در اورشلیم، یا در سیفوریس/ زیپوری (Sepphoris/ Zippori) به دنیا آمد. زمان تولد او را حدود ۱۸ یا ۲۰ پیش از میلاد تخمین می‌زنند (۶ تا ۳ پ.م). مریم در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد که اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست.^{۱۵}

مریم در عهد جدید و مقایسه مطالب در قرآن
در کتاب مقدس، عهد جدید، مریم «مادر عیسی»^{۱۶} یا به سادگی «مادر او»^{۱۷}، یا «مادر او همراه با نام مریم»^{۱۸} خوانده شده است.^{۱۹} در قرآن نیز در آیه ۳۶ سوره آل عمران از زبان زن «عمران بن ماثان» آمده است که «به درستی که من نام نهادم او را مریم و معنی این لفظ «امه الله» به معنی کنیزک خداست».^{۲۰} همچنین در

قرآن در بسیاری از موارد نام حضرت عیسی با عنوان «عیسی بن مریم» عنوان شده است.^{۲۱} این طرز ذکر نام، تأکیدی است بر اینکه عیسی (ع) فرزند چه کسی بوده و حضرت مریم (ع) مقام مادری او را داشته است.

علامه طباطبائی در تفسیر آیات ۳۵ تا ۴۲ سوره آل عمران خاطر نشان می‌کند که مادر مریم (ع) زمانی که باردار شد، نذر کرد که فرزند خود را از قید خدمت والدین آزاد کند تا او در خدمت خداوند درآید و خادم اماکن مقدس شود. ظاهر آیات چنین نشان می‌دهد که مادر مریم (ع) انتظار داشته که فرزندش پسر باشد؛ اما پس از تولد او دختر و ذریه‌اش را در پناه خدا قرار داد. مفسر مزبور گوید معلوم است که به او وحی آمده بود که دخترش دارای ذریه است، وگرنه چنین با قاطعیت از اولاد و اعقاب او سخن نمی‌گفت. دختر بودن فرزند او به این نتیجه منتج شد که به واسطه او کلمه الهه تمام می‌شود؛ او پسری بدون پدر به دنیا می‌آورد که روح و کلمه‌ای از خداست؛ فرزندی که مثلش مثل حضرت آدم است و اینها همه از آن دختر طاهره مبارکه به ظهور می‌رسد. در حقیقت، هم خود مریم (ع) و هم پسرش عیسی مسیح (ع)، آیت و معجزه‌ای برای اهل عالم شدند.

این مطلب در کتاب میبیدی بدین صورت آمده است که مادر مریم می‌گوید: «اگر خداوند عز و جل مرا از این عقبه برهاند و این فرزند که در شکم دارم بسلامت از من جدا شود، برخود واجب کردم که وی را آزاد دارم، از کاری این جهانی، تا خدای را بپرستد و خدمت بیت المقدس کند». گویا در آن زمان چنین نذری مرسوم بوده است و انسان‌های متدین برای تقرب به خدا، فرزندان را به خدمت مسجد قدس درمی‌آوردند. آنان در واقع، فرزندان خود را از کودکی تا بلوغ به مسجد قدس می‌سپردند تا به ستایش و طاعت خداوند بپردازند و بعد از بلوغ، اختیار با خود شخص بود که تا آخر عمر در خدمت مسجد بماند یا بیرون بیاید. منتهی

۲۱. برای نمونه رک: بقره، ۸۷ و ۲۵۳؛ نساء، ۱۵۷ و ۱۷۱؛ مائده، ۴۶.

۱۳. روضة الصفا، ج ۱، صص ۴۳۲ و ۴۳۳.

۱۴. آل عمران، ۴۷.

15. *Sacred Origins of Profound Things*, p.520.

۱۶. یوحنا، ۲: ۱.

۱۷. مرقس، ۳: ۳۱؛ یوحنا، ۱۹: ۲۵.

۱۸. متی، ۱: ۱۸؛ لوقا، ۲: ۳۴.

19. "Mary, Saint", vol.18, p.394.

۲۰. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۴۶۴.



۲۷

مقام و جایگاه حضرت مریم (س) در دین مسیحی و مقایسه آن با اسلام / مریم سادات آقامیری، ...

در این آیه واژه «مُحَرَّر» آمده است. محرر خالص است و به هیچ چیز تعلق ندارد و هیچ چیزی وابسته بدو نیست. در واقع مادر مریم فرزند را هدیه‌ای در راه حق قرار داده و او تسلیم اوامر الهی است. البته عرف بدین صورت بود که فرزند پسر را به خدمت مسجد در می‌آوردند و دختر به دلیل عذر گاهگاه شایسته تحریر نیست؛ مادر مریم نیز گمان می‌برد که فرزندش پسر است و از آن جهت بود که چنین نذری کرد.^{۲۷}

علامه طباطبائی گوید که مادر، دختر را «مریم» نام گذاشت که در زبان مردم آن زمان به معنی زن عابد و نیز زن خدمتکار است. مراد مادر مریم آن بود که دختر در خدمت خداوند درآید و سپس مریم و ذریه‌اش را در پناه خداوند قرار داد. از نص صریح قرآن برمی‌آید که خداوند با حسن قبول این را پذیرفت؛ نه اینکه نذر او را پذیرفته باشد؛ دختر او را پذیرفت و تأییدش کرد؛ زیرا مریم به تمامی تسلیم خداوند بود.^{۲۸}

در آیه ۲۶ از سوره مریم خداوند خطاب به مریم می‌گوید اگر از میان آدمیان کسی از تو درباره فرزندت پرسید که از کیست؟ پس بگوی به درستی که من برای بخشنده بی منت روزه را نذر کرده‌ام.^{۲۹}

طبرسی راجع به روزه در کتاب خویش می‌گوید همان است که از زبان مریم در قرآن آمده است: «من برای خدای رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام (روزه‌ی سکوت) و امروز با هیچ آدمی سخن نخواهم گفت».^{۳۰}

در تاریخ آغاز مسیحیت، نخستین باری که از مریم یاد شده، گفته شده است که او در ناصره زندگی می‌کرد؛ نامزد یوسف بود و فرشته به او مژده‌ی بارداری داد^{۳۱} و آخرین بار آن است که پس از واقعه صعود عیسی (ع)، مؤمنان در حضور مریم (ع) برای نیایش گرد آمده

27. "Mary", *Encyclopedia Britannica* (Micropaedia), vol.7, p.897;

اعمال رسولان، ۱: ۱۴.
۲۸. متی، ۱۲: ۴۶-۴۹.
۲۹. مرقس، ۳: ۲۱.
۳۰. مرقس، ۳: ۳۲-۳۴.
۳۱. لوقا، ۱۱: ۲۷.
۳۲. لوقا، ۱۱: ۲۸.

۲۲. کشف الأجرار، ج ۲، صص ۹۸-۱۰۰.
۲۳. المیزان، ج ۳، صص ۲۶۶-۲۷۱.
۲۴. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۴.
۲۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۸۰.
۲۶. لوقا، ۱: ۲۶ به بعد.



و این را می‌توان از اعمال رسولان ۱۴/۱ نیز دریافت (و این اثر هم به لوقا منسوب است).^{۳۳}

در تمامی عهد جدید، انجیل لوقا کامل‌ترین و مثبت‌ترین برداشت از مریم را ارائه می‌کند. در این انجیل مریم فقط از این لحاظ که مادر عیسی است اهمیت ندارد، بلکه ایمان او هم جایگاهی خاص به وی می‌بخشد. در گزارش لوقا، یوسف قهرمان ماجرا نیست، بلکه مریم است. فرشته بر اوست که ظاهر می‌شود و اوست که پیام را دریافت می‌کند.^{۳۴} مریم، ایصابات (مادر یحیی تعمیددهنده) را ملاقات می‌کند و از هدیه عظیم الهی سخن می‌گوید.^{۳۵} ایصابات به او درود فرستاده، وی را «متبرک در میان زنان»، و «مادر پروردگار من» می‌خواند.^{۳۶} البته یوسف در روایات لوقا غایب نیست. او مریم را در سفر به بیت لحم همراهی می‌کند و در کنار او و کودک می‌ماند.^{۳۷} در هر حال، تأکید لوقا بر مریم در حدی است که بعضی محققان این فرض را مطرح کرده‌اند که ممکن است لوقا به روایتی که از جانب مریم صادر شده بود، دسترسی داشته است. نزد لوقا مریم متبرک و دارای ایمان بزرگی است. او ایمان مریم را در برابر ضعف ایمان زکریا، شوهر ایصابات قرار می‌دهد.^{۳۸} در قرآن کریم، فرشتگان اعلام می‌کنند که خداوند مریم (ع) را بر تمامی زنان جهان برتری بخشیده است؛^{۳۹} هم‌چنین خداوند می‌فرماید که مریم (ع) را آیتی قرار دادیم.^{۴۰} دیلمی در تفسیر این آیه می‌گوید: «منظور از آیه، حجت و برهانی بر کمال قدرت و حکمت خداوند

است؛ زیرا که عیسی را از مادری بدون ازدواج و مساس با غیر متولد ساخت که او در مهد سخن گفت».^{۴۱}

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران («هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم همانا خداوند تو را برگزید و پاک ساخت و تو را از میان زنان جهان برگزید») گوید: خداوند به مریم و به ذریّه او رشد و پاکیزگی عطا کرد و به او و ایشان حیاتی افاضه کرد که آمیخته با القائنات شیطانی و وسوسه‌های او و با پلیدی‌ها نباشد و در یک کلام، حیاتی طیب و طاهر به آنان عطا کرد و او و فرزندش آیتی برای جهانیان شدند.^{۴۲}

در تفسیر نور، در تفسیر همان آیه گفته شده است که در این آیه، چون واژه «اصطفی» با «علی» آمده به معنی مقدم بودن و سرآمد شدن است؛ اما از آیه مزبور می‌توان دریافت که فرشتگان با مریم (ع) سخن می‌گفتند و وی در آن حد از کمال بود که خدا برای او پیام می‌فرستاد. مریم (ع) بر سایر زنان برتری داده شده و بر معصومیت مریم (ع) تأکید شده است.^{۴۳} تکرار اصطفی در این آیات به دو دلیل است؛ اصطفاء اول، برگزیدن او در میان ذریت انبیاء و اصطفاء دوم، برگزیدن او به ولادت عیسی بدون مساس زوج است.^{۴۴}

چنان‌که از اناجیل برمی‌آید، مریم، عیسی را در سفرهایش همراهی نمی‌کرد؛ او فقط یک بار در قانا در یک ضیافت عروسی حضور یافته است^{۴۵} که در آنجا عیسی مادرش را سرزنش می‌کند و می‌گوید: «ای زن تو را با من چه کار است؟»^{۴۶} در انجیل یوحنا مریم فقط دوبار ظاهر می‌شود، بدون اینکه نام برده

33. "Mary, Saint", vol.18, p.394;

کتاب مقدس، صص ۲۰، ۸-۵۷، ۱۱۳.

۳۴. لوقا، ۱: ۲۶-۷؛ لوقا، ۱: ۳۸.

۳۵. کتاب مقدس، صص ۸۶-۹۱؛ لوقا، ۱: ۳۹-۴۲؛ لوقا، ۱: ۴۶-۵۵.
36. *The New Bible Dictionary*, p.791;

لوقا، ۱: ۳-۴۲.

۳۷. لوقا، ۲: ۱-۶؛ لوقا، ۲: ۱۶.

38. "Mary, Saint", vol.18, p.395;

لوقا، ۱: ۲۸ و ۴۲؛ لوقا، ۱: ۱۸-۲۱.

۳۹. آل عمران، ۴۱ و ۴۲.

۴۰. مؤمنون، ۵۰.

۴۱. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴۲. *المیزان*، ج ۳، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۴۳. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۵۰۹.

۴۴. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۶۹.

۴۵. یوحنا، ۲: ۱ به بعد.

46. *The New Bible Dictionary*, loc. cit.;

یوحنا، ۲: ۴.

شود: یک بار در میهمانی قانا و بار دیگر در جُلُتَا (Golgota) در پای صلیب.^{۴۷}

مریم در اوایل شکل‌گیری الهیات مسیحی

در دین مسیحی، عیسی پسر خدا، شریک با خدا در الهیت و لذا خود خداست. سه شخص تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) در ذات الهی با هم تفاوتی ندارند. جایگاه مریم نیز با توجه به این اصل بنیادین دین مسیحی تعریف می‌شود. اما قرآن صریحاً خدا بودن مسیح پسر مریم را رد می‌کند و چنین بیانی را کفر می‌شمارد^{۴۸} و مسیح را فقط پیامبری از پیامبران خدا می‌داند.^{۴۹} به گفته قرآن، خود حضرت عیسی نیز چنین ادعایی را باطل می‌شمارد و خویش را فرمانبر خدای بزرگ اعلام می‌کند.^{۵۰} در قرآن به طور کلی، الهیت بخشیدن به حضرت عیسی محکوم می‌شود.^{۵۱}

همچنین آیه ۱۷۱ سوره نساء چنین فرماید: «ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید؛ در مورد خدا جز حق را نگوئید. جز این نیست که عیسی بن مریم فرستاده خداست و کلمه اوست که به مریم القاء کرد و روحی است از او (خدا). پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و از سه‌گانه سخن نگوئید و بس کنید. آنچه برای شما بهتر است جز این نیست که خدا، معبودی یگانه است و منزّه است از اینکه برای او فرزندی باشد...». در تفسیر میبیدی آمده است که عده‌ای گویند عیسی پسر مریم است و نه پسر خدا. برخی نیز عیسی را خدا دانستند؛ در حالی که قرآن هر دو سخن را رد کرده و در جواب اینکه عیسی که مخلوق است چگونه بدون پدر بوجود آمد می‌گوید: با کلمه‌ی حق بوجود آمد؛ «آن سخن را بر مریم افکنند»؛ یعنی مریم را از وجود

47. "Mary, Saint", vol.18, p.394;

کتاب مقدس، صص ۱۴۵ و ۱۸۲.

۴۸. مائده، ۱۷ و ۷۳.

۴۹. مائده، ۷۵.

۵۰. مائده، ۱۱۶ و ۱۱۷.

۵۱. توبه، ۳۱.

عیسی آگاه کرد.^{۵۲} «چون خدا امری را مقرر کند تنها به آن می‌گوید باش، پس آن می‌شود».^{۵۳}

آیه ۷۵ از سوره مائده تأکید می‌کند که عیسی مسیح (ع) فقط رسولی از رسولان خداوند بود: «مسیح پسر مریم (ع) جز پیامبری نیست که پیش از او هم پیامبران گذشتند؛ و مادرش زنی بسیار راستگوی بود و هر دو خوراک می‌خوردند، پس نمی‌تواند خدا باشند. نگاه کن که چگونه برای ایشان آیات را بیان می‌کنیم، سپس بنگر که چگونه از حقیقت دور می‌افتند»

قرائتی گوید با ذکر این آیه به سه دلیل ثابت می‌کند که عیسی خدا نبوده است: ۱- او از مادر متولد شد و پسر مریم است. ۲- پیامبرانی مثل او نیز بودند و او بی‌همتا نیست. ۳- او هم مانند دیگران نیاز به خوراک داشت و قدرتش را از لقمه غذایی که می‌خورد بدست می‌آورد؛ او از خودش قدرتی نداشت و کسی که نیاز به غذا دارد، نمی‌تواند خالق باشد. همچنین این آیه بر صدیق بودن مریم (ع) گواهی می‌کند؛ صدیق کسی است که راستگویی خود را با عملش اثبات کند. در این تفسیر و تفاسیر دیگر گفته شده که نداشتن پدر دلیل بر الهیت نیست؛ چنان‌که آدم (ع) نیز پدر نداشت.^{۵۴}

در سه سده نخست بعد از میلاد مسیح، آثار مؤلفان مسیحی فقط در مواردی اشاره‌ای گذرا به مریم دارند و جز اینکه او را «مادر باکره پروردگار» خطاب کرده‌اند، توجه دیگری به او مشاهده نمی‌شود. آریستیدس (Aristides)، (سده‌ی دوم میلادی) او را «یک باکره عبرانی» خوانده است؛ ایگناتیوس (Ignatius) (د. حدود ۱۰۷م) در جایی در مورد مسیح، عبارت «پسر مریم و پسر خدا» را به‌کار برده است. یوستین (Justin) شهید (د. حدود ۱۶۵م) و ایرنائوس (Irenaus) (د. حدود ۲۰۰م) مریم را «حوای دوم» خوانده‌اند. در هیچ‌یک از نیایش‌ها و عبادات بازمانده از این دوره نامی از

۵۲. کشف الأسرار، ج ۲، ص ۷۷۹.

۵۳. آل عمران، ۴۷.

۵۴. تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۵۰۹.





مریم نیست. همچنین آباء قدیم کلیسا با اینکه برای مریم حرمت بسیار قائل بودند و او را «مادر منجی» می خواندند، بر آن بودند که وی بواسطه ایمانش به مسیح نجات یافته است.^{۵۵}

توجه اندک عهد جدید و علمای دینی سده‌ی نخست باعث نشد که دین مسیحی از او غافل بماند؛ بلکه محرکی برای تأملات بیشتری درباره وی شد.^{۵۶} در حدود سده دوم میلادی اثری ظهور کرد که از دیدگاه مسیحیت درست‌آیین جزو کتب غیرمعتبر است و آن «انجیل یعقوب (Evangelium Jacobi)» نام دارد. این کتاب محبوبیت بسیار یافت و منشأ دو کتاب دیگر شد. در این اثر نام‌های پدر و مادر مریم آن‌طور که در سنت آمده، ذکر شده است: آنا (Anna) (در عبری: حنّا Hannā) و جوآقیم (Joachim) در عبری: یهوآقیم (Yehoyaqim). این کتاب‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند.^{۵۷}

باکره مقدس، مادر مقدس

کلماتی که از زبان فرشته در انجیل نقل شده («فرشته در جواب وی گفت: «روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند. از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد.»^{۵۸})، در الهیات مسیحی به این تعبیر شده که تقدس کودک مرتبط با دوشیزگی مادر است. قرآن کریم به این هر دو نکته توجه و آن‌ها را تأیید می‌کند. اولاً مطابق با قرآن، مریم (ع) پاک و میرا از گناه بود؛ چنان‌که در سوره مریم^{۵۹} بر معصومیت حضرت مریم (ع) تأکید شده است؛ همچنین، فرشتگان اعلام می‌کنند که مریم (ع) برگزیده خداوند و پاک‌شده از

سوی اوست.^{۶۰} ثانیاً بارداری مریم (ع) از انسان نبوده، بلکه از روح یا کلمه خداوند بوده است؛ در سوره نساء، آیه ۱۷۱، خداوند کلمه خود را به مریم (ع) القا کرد و حضرت عیسی کلمه خداست؛ در سوره مریم، آیه ۱۷، خداوند روح خود را به سوی مریم (ع) فرستاد؛ در سوره تحریم آیه ۱۲، خدا روح خود را در مریم (ع) دمید («فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا») و با این شیوه بود که حضرت عیسی (ع) در بطن مریم (ع) هستی یافت؛ پس از آن، خداوند روح‌القدس را مؤید حضرت عیسی (ع) قرار می‌دهد^{۶۱}؛ در جای دیگر به جای روح‌القدس از روح‌الامین سخن گفته شده که بر قلب حضرت رسول (ص) فرود آمد.^{۶۲} در نوشته‌های مسیحی بعد از کتاب مقدس بیشترین آثار از لحاظ حجم به موضوع دوشیزگی مریم می‌پردازند. تمامی آباء کلیسا متفق‌القول بودند که مریم، عیسی را باردار شد، بدون اینکه در دوشیزگی او خللی ایجاد شود و این نظر در اعتقادنامه‌های اولیه کلیسا نیز مندرج است.^{۶۳}

مدافعان مسیحیت درست‌آیین (orthodox)، در مقابل فرقه‌ها و مذاهبی که نادرست تشخیص می‌دادند، همواره به این متوسل می‌شدند که خدا پدر مسیح و مریم باکره مادر او است.^{۶۴}

در انجیل تأکید شده است که مریم به هنگام بارداری عیسی دوشیزه بود و از روح‌القدس بارگرفت.^{۶۵} از این نظریه که مریم به‌هنگام بارداری عیسی باکره بود، نتایجی گرفته شد. یکی از آن نتایج این بود که مریم در زایش عیسی نیز باکره باقی ماند.^{۶۶} نظر مخالف آن

۶۰. آل عمران، ۴۱ و ۴۲.

۶۱. بقره، ۸۷ و ۲۵۳.

۶۲. شعراء، ۱۹۳.

63. "Mary", *Encyclopedia Britannica (Micropaedia)*, vol.7, p.898;

کتاب مقدس، ص ۸۷.

64. "Mary", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, vol.8, p.476.

۶۵. متی، ۱: ۲۳-۲۵؛ لوقا، ۱: ۳۵.

66. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

55. "Mary", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, vol.8, p.475-476.

56. "Mary, Saint", vol.18, p.394.

57. "Mary", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, vol.8, p.476.

۵۸. لوقا، ۱: ۳۵.

۵۹. مریم، ۲۰-۲۲؛ تحریم، ۱.



همه اعضای کلیسا است؛ زیرا کلیسا را «پیکر رازآمیز مسیح» دانسته‌اند. این نظر در تعالیم پاپ پیوس دهم (Pius X) مدون شده است. مسیح رأس کلیساست و مریم مادر مسیح؛ پس مریم مادر تمامی این پیکر است.^{۷۱} در سال ۱۹۶۴ پاپ پل ششم (Paul VI) رسماً مریم را «مادر کلیسا» اعلام کرد.^{۷۲}

عروج مریم

به‌طور کلی، پاپ‌ها بعد از دوران اصلاح دینی، به‌گونه‌ای روز افزون بر تجلیل از مریم تأکید کردند. از سوی دیگر، در بین مسیحیان کاتولیک از دیرباز جشنی وجود داشت که در آن عروج (Assumption) مریم را جشن می‌گرفتند. سؤالات بسیاری پیش آمد که آیا این امر صحیح است یا نه. تا مدت‌ها واتیکان از پاسخگویی طفره می‌رفت؛ زیرا برای آن نمی‌توان مبنایی در کتاب مقدس یافت. در آثار هنری گذشته هم مرگ مریم را به شکل خوابیده تصویر می‌کردند. محل قبر مریم دقیقاً معلوم نبود؛ گرچه در اورشلیم، قبری را به او نسبت می‌دادند.^{۷۳} سرانجام در سال ۱۹۵۰، پاپ پیوس دوازدهم (Pius XII) عروج مریم را رسماً در کلیسای کاتولیک پذیرفته‌شده اعلام کرد.^{۷۴} پاپ پیوس دوازدهم اعلام کرد که مادر معصوم خدا، مریم همیشه عذراء، زمانی که دوره حیاتش به پایان رسید، با جسم و روحش به شکوه آسمانی برکشیده شد. همان پاپ، در سال ۱۹۵۴ مریم را «ملکه آسمان» لقب داد.^{۷۵}

موضوع عروج مریم مورد اعتراض پروتستان‌ها واقع شد. کلیسای ارتدکس اصل موضوع را انکار نکرد؛ اما نسبت به حق پاپ و مرجعیت او برای پذیرش آن

نیز وجود داشت؛ از دیدگاه ترتولیان (Tertullian) (د. حدود ۲۲۵م)، مریم عیسی را به سبب روح القدس باردار شد؛ ولی او را چون یک زن و نه یک دوشیزه به دنیا آورد.^{۶۷} با این حال، کلیسا بر آن بود که دوشیزگی مریم را به همی عمر او تعمیم دهد.^{۶۸} «اعتقادنامه رسولان» نیز ظاهراً این نظر را تأکید کرده است؛ زیرا می‌گوید: عیسی مسیح از مریم باکره به دنیا آمد. ایپفانیوس (Epiphanius) (د. ۴۰۳م) مریم را «همیشه باکره» خواند؛ پاپ لئوی اول (Leo I) (د. ۴۴۹م) آن را تأیید کرد و توسط چندین شورای بعدی تثبیت گشت. این فرایند ادامه یافت تا آنکه مریم (ع) را مبراً از انجام هر عمل گناه‌آلود شناختند و نهایتاً او را از گناه فطری نیز پاک اعلام کردند. این اصل را پاپ پیوس نهم (Pius IX) رسماً تأیید کرد. در دوران جدیدتر، اصلاحگران دینی و اکثر رهبران پروتستان‌ها، در سده شانزدهم این رأی را پذیرفتند؛ به‌گونه‌ای که تبدیل به نظریه ثابت و مستقر کلیسا گردید. رشد آرمان‌های رُهبانی در کلیسا نیز باعث پیدایش و رشد این نظریه شد که مریم در تمام عمر باکره باقی ماند. چنین اندیشه‌ای را در عهد جدید نمی‌توان یافت و استدلالی بر آن اقامه نشده است؛ اما در بین مؤمنان، جداً مورد استقبال قرار گرفت.^{۶۹}

رشد گرایش به زهد که مریم را الگوی دوشیزگی قرار داد و تأثیرپذیری از الهه‌های مادر در دین‌های دیگر (به‌خصوص در آسیای صغیر) به تعالی بخشیدن به جایگاه مریم کمک کرد.^{۷۰}

پذیرش مریم به عنوان مادر خدا به نتیجه‌ای منتج شد و آن اینکه مریم «مادر کلیسا» است؛ زیرا او بود که مسیح را به دنیا آورد و پرورش داد و از مسیح است که کلیسا ناشی شده است. بنابر گواهی آباء کلیسا، مریم که مادر مسیح است، مادر کلیسا نیز هست؛ لذا او مادر

71. "Mary, Blessed Vigrin (In Theology), Mary and the Church", vol.9, p.255.

72. "Mary: An Oreview", vol.9, p.5754.

73. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

74. "Mary: An Oreview", vol.9, p.5754.

75. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

67. *The Routledge Companion to Early Church*, p.157.

68. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

69. loc. cit.

70. "Mary: An Oreview", vol.9, p.5753.



اعتراض کرد.^{۷۶}

در قرآن از عروج مریم(ع) سخنی در میان نیست (چنانکه در مورد حضرت عیسی چنین گفته شده است)؛ اما در مورد منزلت حضرت مریم همین بس که گفته شده خداوند به او وحی می‌فرستاد^{۷۷} و آیات خود را برای وی بیان می‌کرد.^{۷۸} هم‌چنین خداوند می‌فرماید: مریم(ع) و عیسی(ع) را در سرزمین بلند جای دادیم که دارای آب زلال (آب روان) بود.^{۷۹} این سرزمین بلند کجاست؟ دور از ذهن نیست اگر بگوییم بهشت آسمانی است و به هر حال نشان از شأن والای مریم نزد پروردگار دارد. سید عبدالحسین طیب، در باب آن مکان مرتفع که در آیه ۵۰ سوره مؤمنون به آن اشاره شده می‌گوید: «اقوال متعدد از ائمه اطهار(ع) نقل شده که این مکان مرتفع کوفه نجف اشرف بوده است.^{۸۰} بنا به گفته دیلمی مراد از «ربوة»، حیره کوفه است و حیره شهری است نزدیک کوفه و مراد از ذات قرار و معین کوفه است.»^{۸۱}

مریم میانجی (Mediatrix)، میانجی رحمت

در کلیسای کاتولیک به مریم لقب «سهیم در نجات بخشی» (Coredemptrix) داده شده است؛ زیرا مریم در این الهیات همراه و همکار عیسی در نجات بخشیدن انسان‌هاست.^{۸۲}

بنابر گواهی پاپ‌های متأخر، با توجه به حضور مریم در پای صلیب، منجی، مادر خود را مادر تمامی بشریت اعلام کرد. این مادر بدون مریم متضمن انتقال رحمت (حیات روحانی) به فرزندان روحانی اوست.^{۸۳} مریم میانجی است تا الطاف الهی به افراد برسد؛

76. "Mary: An Overview", vol.9, p.5757.

۷۷. آل عمران، ۴۳ و ۴۴.

۷۸. مائده، ۷۵.

۷۹. مؤمنون، ۵۰.

۸۰. اطيپ البيان، ج ۱۳، ص ۴۱۰.

۸۱. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۶۸.

82. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

83. "Mary, Blessed Virgin (In Theology) , Mary and the Church", vol.9, p.262.

حتی در مورد آدم و حوا رحمت‌های الهی به واسطه شایستگی‌های مریم در آینده به آنان تعلق گرفته است؛ شایستگی‌هایی که خداوند از ازل به آنها آگاه بود.^{۸۴} در قرآن، مریم(ع) جایگاه میانجی بین انسان‌ها و خداوند را ندارد؛ اما از مقامی بلندمرتبه برخوردار است. مادر مریم(ع) پس از زادن او اعلام می‌کند که مریم از شیطان رانده و در پناه خدا قرار داده شده است.^{۸۵} خداوند نیز مریم(ع) را با حُسن قبول پذیرفت و با خوراک‌های معجزه‌آسا از وی پذیرایی کرد.^{۸۶} زکریا که کفیل مریم(ع) شده بود، هرگاه نزد مریم(ع) می‌آمد، می‌دید که در نزد او خوردنی‌هایی است که در آن فصل وجود ندارد.^{۸۷} علامه طباطبائی گوید: این طعام، طعام معمول نبود که خداوند به همه مردم عنایت می‌کند؛ بلکه طعام خاص بود؛ به این ترتیب که در تابستان، خوردنی‌های زمستانی و در زمستان، طعام‌های تابستانی نزد او بود. چون مریم(ع) در پاسخ زکریا گفت که این خوردنی‌ها از جانب خداوند هستند، او یقین کرد که آن‌ها کراماتی از سوی خداوند و مخصوص مریم(ع) است. علامه از تفسیر قمی نیز همین معنا را ضمن حدیثی از امام محمد باقر(ع) ذکر کرده است.^{۸۸}

موضوع میانجی رحمت بودن مریم به تدریج در بین آباء و نویسندگان مهم مسیحی رشد کرد و تحول یافت.

در کلیسای کاتولیک، از جمله القاب مریم، «میانجی مؤنث» (Mediatrics, Mediatrix) است و در اینجا سه معنی از این عنوان مورد نظر است؛ ۱- چون مریم مادر الهی است و سرشار از رحمت است، او جایگاهی بینابین خالق و مخلوقات دارد. این معنا از میانجی معنایی وجودشناسانه است. ۲- مریم در

84. loc. cit.

۸۵. آل عمران، ۳۶ و ۳۵.

۸۶. آل عمران، ۳۷.

۸۷. تاریخ الطبری، ج ۱، صص ۵۲۸-۵۳۰.

۸۸. المیزان، ج ۳، صص ۲۷۳-۲۸۸.

دوران حیات زمینی خود با اعمال مقدس خویش، سازگاری یافتن انسان‌ها با خداوند را از طریق منجی (عیسی مسیح) تسهیل کرد. ۳- او به واسطه قدرت میانجی‌گری خود در آسمان، برای فرزندان روحانی خود، رحمت خداوند را که او از اصل برای بشر در نظر گرفته بود، کسب می‌کند. این دو صورت اخیر واجد معنایی اخلاقی هستند.

موضوع مداخله مریم در رستگاری انسان‌ها در الهیات مسیحی در بحثی با عنوان «همراهی در رستگاری» (Co-redemption) می‌آید. رضایت مریم نیز در رستگاری مؤثر است؛ اما این علت ثانویه است و شرط اصلی، پذیرش و خشنودی مسیح است. در کلیسای ارتدکس عنوان «میانجی (مؤنث)» از سده نهم میلادی در آثار دینی ظاهر شده است؛^{۸۹} اما اصلاحگران دینی پروتستان بر این اصل پای می‌فشرند که حقانیت یافتن و نجات از گناه فقط به واسطه ایمان به مسیح امکان‌پذیر است. البته اصلاحگران با کاتولیک‌ها در قبول اعتقادنامه‌های قدیم و شوراها بزرگ متفق‌القول بودند و تولد عیسی از باکره پاک را می‌پذیرفتند و او را به عنوان مادر وی ارج می‌نهادند؛ اما پروتستان‌ها عزم راسخ داشتند که هر تعلیمی را در مورد اینکه قدیسان در گذشته ممکن است منشأ اثر باشند، حذف کنند؛ به این ترتیب، آن جایگاه عالی که مریم در کلیسای کاتولیک پیدا کرده بود، منتفی شد. برخی گروه‌ها در بین پیوریتن‌ها (Puritans)، استفاده از «اعتقادنامه رسولان» را منع کردند؛ زیرا نام مریم در آن آمده بود؛ اما کلیساهای اسکاتلند و انگلیکن (Anglican) از این شیوه پیوریتن‌ها پیروی نکرده‌اند و در مراسم جمعی از باکره و حتی از شکوه او سخن می‌گویند.^{۹۰} با توجه به مواضع پروتستان‌ها، انتظار می‌رفت که کلیسای کاتولیک جانب اعتدال را در پیش بگیرد؛

به این ترتیب بود که در شورای ترنت (Trent) (۶۳-۱۵۴۵)، مطابق با شوراها کهن، بین عبادت یا پرستش منحصر به خداوند و ادای احترام به قدیسان و خادمان او فرق قائل شد؛ اما اینکه در عمل تا چه اندازه می‌توان این تفاوت را رعایت کرد، معلوم نشد.^{۹۱} پیش‌تر، دومین شورای نیقیه (Nicene) (سال ۷۸۷) تکلیف مؤمنان را در قبال مریم و قدیسان مشخص کرده بود: پرستش مخصوص خداوند و حرمت از آن قدیسان و تجلیل از آن مریم مقدس است.

کاتولیک‌های افراطی در مورد مریم امید داشتند که شورای دوم واتیکان (۶۵-۱۹۶۲) سهیم بودن وی در رستگاری را مورد تأیید قرار دهد؛ اما شورا چنین بیانه‌ای صادر نکرد. با این حال، در سال ۱۹۶۳، شورا بر نقش مریم در جایگاه مادر خدا و نجات‌دهنده تأکید کرد و در مورد زیاده‌روی در جهت باکره متبرک هشدار داد.^{۹۲}

کیش مریم

تجلیل از مریم در کلیسای مسیحی در واقع پاسخی بود به این پیش‌بینی از سوی خود مریم در انجیل لوقا که «از این پس تمامی نسل‌ها مرا متبرک خواهند خواند».^{۹۳} کیش مریم محصول بزرگداشت نقش باکره مقدس در مورد مسیح و در کلیسای مسیح است؛ عکس‌العمل انسان‌های نجات یافته (به واسطه مسیح) در برابر مادر خدا، مادر مسیح و مادر آدمیان، بویژه انسان‌های مؤمن است.^{۹۴}

نقش مادری مریم نسبت به بقیه نقش‌هایی که به او نسبت داده شده، جذاب‌تر بوده است.^{۹۵} مریم نه تنها مادر عیسی، بلکه مادر بشریت شمرده شده و سرسپردگی

91. op. cit., p.479-80.

92. "Mary: An Overview", vol.9, p.5753-4.

93. "Mary", *Encyclopedia Britannica* (Micropaedia), vol.7, p.897.

94. "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", vol.9, p.266.

95. "Mary", *Encyclopedia Britannica* (Micropaedia), vol.7, p.897.

89. "Mary, Blessed Vigrin (In Theology), Mary and the Church", vol.9, pp.259-260.

90. "Mary", vol.8, p.479.





به مریم تا اندازه‌های از عشق فرزند به مادرش و از علاقه‌مندی به تقلید فضائل مادر ناشی می‌شود.^{۹۶} ترفیع مریم بی‌تردید نتیجه آن نیاز عاطفی است که در بسیاری از دین‌ها آشکار است و در تکریم اصل زنانه (خدایانو یا خدایانوان) قابل مشاهده است.^{۹۷} مریم در قرون وسطی موضوع اخلاص و ستایش فراوان شد؛ او باکره مقدس و نماینده روان زنانه گردید که یکسره نیک و مثبت است.^{۹۸} مسیحیان، مادر بودن و دوشیزه بودن را توأمان در مریم جمع کردند و چنین چیزی پیش از آن سابقه نداشت. از یک سوی، مادر بودن به تقدس او منجر شد و از سوی دیگر، دوشیزه بودن را فضیلتی برای او محسوب کردند. پیش از مسیحیت، بکارت را امتیازی برای خدایانوان آتنا (Athena) و آرتمیس (Artemis) در نظر می‌گرفتند.^{۹۹}

مریم از عصر آباء کلیسا مورد تعظیم و تکریم بود.^{۱۰۰} علاقه‌مندی و شیفتگی مردم و حتی عبادات آنها در اواخر دوره‌ی آباء و در سراسر قرون میانه، متوجه مریم شده بود؛ تا جایی که منتقدین و عیب‌جویان، آن را «مریم پرستی» خواندند؛ البته این عنوان تا اندازه‌ای هم صحیح بود.^{۱۰۱}

از دیدگاه مسیحیت درست‌آیین، مریم یک خدایانو نیست؛ اما از نظر بسیاری از مؤمنانش، عملکردی همچون یک خدایانو دارد. در سراسر خاورمیانه، اروپا و آمریکای لاتین، در مکان‌هایی که برای خدایانوان پیشین مقدس بودند، کلیساهایی ساخته و وقف مریم باکره شده و مریم در تصاویر دیرپای الهه‌های پیشین دوباره حضور یافت.^{۱۰۲} نه فقط در غرب، بلکه در کلیساهای شرقی نیز چنین است؛ به‌طوری که حتی

می‌توان گفت ستایش و تکریم عظیم نسبت به مریم در جایگاه مادر خدا یکی از مشخصه‌های کلیساهای شرقی است.^{۱۰۳}

کیش مریم شامل سه عنصر، یا سه بخش است: ۱- تکریم و تعظیم مریم و شناخت احترام‌آمیز عظمت مقام «مادر باکره‌ی خدا»؛ ۲- نیایش مریم و استغاثه به مریم برای میانجی‌گری همچون یک مادر و یک ملکه آسمانی؛ ۳- تقلید از مریم که شامل ایثار خود، پرهیزگاری و نیز حفظ بکارت می‌شود. تکریم مریم هم در مناسک عبادی جمعی صورت می‌گیرد و هم در عبادات فردی؛ هم در کسوت زُهبانیت و هم در استفاده از تسبیح.^{۱۰۴} در مراسم عشاء ربانی، در جشن تثلیث مقدس، ضمن خواندن سرودهای ستایش، کشیش می‌گوید که «من در برابر خدای قادر مطلق، مریم مقدس همیشه باکره، میکائیل مقدس ... یحیای تعمیددهنده، رسولان مقدس ... اعتراف می‌کنم» (یعنی بلافاصله پس از خداوند، نام مریم به زبان آورده می‌شود). در فهرست قدیسان، در رأس همه نام‌ها، نام مریم همیشه باکره، مادر خداوند، یاد می‌شود.^{۱۰۵} مریم درد و رنج کسانی را که مرتکب گناهان کوچک شده و به برزخ فرستاده شده‌اند، کم می‌کند؛ حتی ممکن است کسانی را که گناهان کبیره کرده‌اند و به دوزخ رفته‌اند، نجات دهد. یک متن قرون وسطایی می‌گوید شیطان هر روز از این بی‌عدالتی به خدا شکایت می‌کند؛ ولی او (پروردگار) وقتی پای مادرش در میان باشد، این سخنان را نمی‌شنود و بانوی بهشت را مختار می‌گذارد.^{۱۰۶}

در دوران اصلاح دینی (سده شانزدهم)، بر پایه اصل اعتقادی اصلاحگران که همه‌چیز را بر مبنای کتاب مقدس می‌خواستند، کیش مریم مورد اعتراض واقع

96. "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", vol.9, p.266.

97. *A Dictionary of Comparative Religion*, p.431.

98. انسان و سمبولهایش، صص ۲۹۲ و ۲۹۳.

99. "Virgin Goddess", vol.15, p.278.

100. "Mary", *Encyclopedia Britannica* (Micropaedia), vol.7, p.897.

101. "Mary, Saint", vol.18, p.396.

102. "Virgin Goddess", vol.15, p.278.

۱۰۳. مادر خدا در سنت سریانی، ص ۱۳.

104. "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", vol.9, p.266.

۱۰۵. آیین کاتولیک، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

106. *A Dictionary of World Mythology*, pp.190-191.

شد. نه لوتر و نه کالون، هیچ‌یک تکریم مریم را نفی نکردند؛ اما آن را به تقلید از مادر باکره متواضع و فرمانبردار مذکور در اناجیل محدود نمودند. شورای ترنت از کیش «بانوی ما» دفاع کرد و هم استدعا از او، هم تمجید او و هم تقلید از او را مجاز اعلام کرد: مریم، همراه با مسیح، می‌تواند در مورد انسان‌ها میانجی‌گری کنند. علمای کاتولیک به دفاع از مواضع خود برخاستند و با آثار خویش در تحکیم مواضع پیشین کاتولیک کوشیدند. در آثار هنری، تمثال معروف «پیروزی مریم» - که او را در حال کوبیدن سر مار نمایش می‌دهد - نشان از پیروزی بر آیین پروتستان داشت. «انجمن اخوت بانوی ما» توسط یسوعیان (Jesuits) در سال ۱۵۶۳ تأسیس شد و پس از آن، انجمن‌های متعددی بر اساس آن الگو تشکیل شدند.

در سده هفدهم، مطالعات مربوط به مریم به‌ویژه در اسپانیا و فرانسه شکوفا گردید و به موازات آن تأکید بر کیش مریم هم شدت گرفت. مناسک «بندگی مریم» رشد کرد. از سوی دیگر، پیمانی به نام «پیمان با خون» برای دفاع از بارداری در عصمت مطرح گردید. در بعضی از این آیین‌ها، افراط صورت می‌گرفت و لذا با اعتراض و حتی با محکومیت روبرو شدند. در سده نوزدهم و پس از عصر روشنگری (Enlightenment) و انقلاب فرانسه (قرن ۱۸) به تدریج مجامعی با علاقه خاص به مریم شکل گرفتند. از جمله انجمن‌های تبشیری می‌توان «مریم‌گرایان» (Marists) و «ارمغان‌های مریم معصوم» را نام برد و از جمله انجمن‌های اخوت مزبور «جامعه مریم» است. در قرن نوزدهم و بیستم زیارتگاه‌هایی در فرانسه، اسپانیا و جاهای دیگر شکل گرفتند که در کانون آنها مریم قرارداد است و تا این زمان زائران بسیاری به خود جذب می‌کنند.^{۱۰۷}

کیش مریم در کلیسای کاتولیک شکوفا شد؛ اما در کلیسای ارتدکس و در کلیسای انگلستان هم تعقیب گردید. مناجات‌ها برای مریم شکل گرفتند که در مجموع بیش از مناجات برای پسرش عیسی بودند.^{۱۰۸} در قرن بیستم، به‌ویژه در نیمه اول آن، کیش مریم با تأکید پاپ‌ها همچنان پررونق باقی‌ماند. پیوس نهم (Pius IX) قضیه «بارداری در عصمت» را تعریف کرد. پاپ لئوی سیزدهم (Leo XIII) نامه‌هایی ادواری درباره دعای مریم منتشر کرد. پاپ پیوس دهم (Pius X) درباره جنبه مادری روحانی مریم نوشت: «مریم راه مطمئن ما به سوی مسیح است». بندیکت پانزدهم (Benedict XV) در زمان جنگ جهانی اول پی در پی به «ملکه صلح» متوسل می‌شد. پیوس دوازدهم (Pius XII) علاقه‌ی فوق‌العاده‌ای به کیش مریم از خود نشان داد؛ او عروج مریم را تأیید و تعریف کرد؛ تقدس جهانیان را به‌واسطه قلب معصوم مریم اعلام کرد و نوشته‌های پی در پی در مورد «قلب مقدس» منتشر نمود. در این دوره، کنگره‌های متعدد محلی، ملی و بین‌المللی در مورد مریم برگزار شد. زائران بسیار - حتی در اوقات ناآرام و در زمان جنگ - به اماکن زیارتی مریم سرازیر شدند. پس از جنگ جهانی دوم، مطالعات الهیاتی در مورد قیاس مریم و کلیسا یا پیوستگی آن دو صورت گرفت. اسقفان کاتولیک ایالات متحده در سال ۱۹۷۳ بیانیه‌ای منتشر کردند و در آن از مردم و کشیشان کشور خواستند کیشی برای مریم که متناسب با این عصر باشد، شکل دهند.^{۱۰۹}

گرایش عمیق کاتولیک‌ها به مریم، عکس‌العمل پروتستان‌ها را به دنبال داشت. لوتر خود شیفته مریم بود و اصلاح‌گران دینی اولیه، مادر خدا بودن مریم را به‌آسانی می‌پذیرفتند؛ اما پروتستان‌ها نمی‌توانستند جانشینی مریم در جایگاه عیسی را بپذیرند. اصلاح

108. *Sacred Origins of Profound Things*, loc. cit.

109. "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", vol.9, pp.270-271.

107. "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", vol.9, p.266.





دینی به مریم جایگاهی کوچک و مادون عیسی مسیح داد.^{۱۱۰}

نتیجه‌گیری

در دین مسیحی، عیسی مسیح (ع)، پسر خدا و یکی از سه وجه الهیت است. در این دین، نیاز به اثبات پسر خدا بودن عیسی منجر به آن شد که در اناجیل و در آثار الهیاتی مسیحی، باکره بودن مریم به نقطه‌ای کانونی در اصول اعتقادی تبدیل شود. قرآن نیز بر باکره بودن مریم در هنگام بارداری تأکید دارد. در حالی که در دین مسیحی، کلمه لوگوس در مسیح جسمانیت یافته و در عیسی مسیح بوجود آمده است، در اسلام نیز بارداری مریم به واسطه «کلمه الله» یا «روح الهی» صورت می‌گیرد که مفسران مراد از آن را جبرئیل گفته‌اند.

در دین مسیحی، زایش مسیح نیز در عین باکرگی صورت گرفت و بسیاری از مسیحیان معتقد شدند که او در تمام عمر باکره باقی ماند. در دین مسیحی، باکره بودن مریم بدان تعبیر شد که او از گناه، پاک و عاری بوده است؛ حتی از گناه فطری که در این دین همه انسان‌ها با آن زاده می‌شوند. پذیرش معصومیت مطلق به تدریج در دین مسیحی صورت گرفت تا در قرن ۱۹ میلادی این نظر رسمی و نهایی کلیسای کاتولیک اعلام شد.

در اسلام تأیید شده است که مریم، از پیش از تولد، توسط مادرش وقف خدمت خداوند شده بود و خداوند نیز او را با حسن قبول پذیرفت. مریم همواره در پناه خداوند و به‌دور از وسوسه‌های شیطانی بود؛ حتی در هنگام زایمان، خداوند، جبرئیل و فرشتگان را برای حمایت از وی گسیل داشت و عیسی خود از بدو تولد پشتیبان مادر خود بود؛ خداوند مریم را در پناه لطف و رحمت خود قرار داده بود. در دین مسیح، عیسی مسیح برای نجات انسان‌ها به این جهان آمد

و تنها نجات‌دهنده، اوست؛ اما مادر پسر خدا بودن، این امتیاز را به مریم بخشید که در نجات‌بخشی سهیم شود. اینکه مریم میانجی رحمت است، از قرون اولیه مسیحی مورد تأیید علمای دین بود؛ اما از قرن هشتم و به‌ویژه از سده دوازدهم قویاً تأکید شد که رحمت الهی از طریق مریم و فقط از طریق مریم به مخلوقات می‌رسد. اینکه مریم چنین مقامی یافته، ناشی از لطف و عنایت خداست و او مقدر کرده که مریم در جایگاه میانجی قرار گیرد.

در اسلام و در قرآن، مریم از جایگاهی والا برخوردار است؛ به او همچون پیامبران وحی نازل می‌شود؛ برای او خوراک‌های آسمانی فرستاده می‌شود. خداوند مریم را پاک و مبرا از هر پلیدی می‌خواند. خداوند مریم را از میان زنان جهان برمی‌گزیند و حیاتی طیب و طاهر به وی عطا می‌کند. در قرآن کریم، مریم و پسرش عیسی بن مریم، آیتی برای جهانیان هستند.

110. "Mary, Saint", vol.18, p.396-397.

- Religions, Keith Crim (ed.), U.S.A., Nashville, Abingdon, 1981.
- A Dictionary of Comparative Religion, S. G. F. Brandon, London, Weidenfeld & Nicolson, 1970.
- A Dictionary of World Mythology, Arthur Cotterell, Oxford, Melbourne, Oxford University Press, 1986.
- Encyclopaedia of Religion and Religions, E. Royston Pike, New York, the Meridian Books, 1958.
- "Mary: An Overview", Encyclopedia of Religion (Second Edition), John Reuman, ed. by Lindsay Jones, vol.9, U.S.A., Thomson- Gale, 2005.
- "Mary, Blessed Virgin (In Theology), Mary and the Church", New Catholic Encyclopedia (second Edition), C.O. Vollert, vol.9, The Catholic University of America, 2003.
- "Mary, Blessed Virgin (In Theology), Mediatrix of All Graces", New Catholic Encyclopedia (Second Edition), J. B. Carol, vol. 9, U. S. A., Thomson - Gale Pub., The Catholic University of America, 2003.
- "Mary, Blessed Virgin, Devotion to", New Catholic Encyclopedia (Second Edition), E. R. Carroll, vol. 9, U.S.A., Thomson Gale Pub., The Catholic University of America, 2003.
- "Mary", Encyclopaedia of Religion and Ethics, James Cooper, vol.8, ed. by
- قرآن کریم.
- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ترجمه بهزاد جعفری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، قم، مؤسسه سبّطین، ۱۳۸۶ ش.
- انسان و سمبولهایش، م. ل. فون فرانکس، ویراستار: کارل گوستاو یونگ، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، کتاب پایا، ۱۳۵۹ ش.
- آیین کاتولیک، جورج برانتل، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
- تفسیر شریف لاهیجی، محمد بن علی شریف لاهیجی، تهران، علمی، ۱۳۹۰ ش.
- تفسیر نور، محسن قرآتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتح رازی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.
- روضه الصفا، محمد بن خاوند شاه میرخواند، تهران، خیام پیروز، ۱۳۳۸ ش.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، به همت انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۷۷ م (از روی طبع سال ۱۹۰۴ م).
- کشف الأسرار و عدة الأبرار، احمد بن ابی‌سعد میبیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- مادر خدا در سنت سریانی، ساموئل تیکوتام، در: وب سایت ایران کاتولیک.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- Abingdon Dictionary of Living



- The New Bible Dictionary, J. D. Douglas (ed.), U.S.A., Grand Rapids, Michigan, WM. B. Erdsmans Pub. Co., 1970.
- The Routledge Companion to Early Church, D. Jeffrey Bingham, London & New York, Routledge, 2010.
- The Wordsworth Dictionary of Beliefs and Religions, Rosemary Goring (ed.), Great Britain, Hertfordshire Wordsworth Editions Ltd., 1995.
- “Virgin Goddess”, Encyclopedia of Religion (Second Edition), Christ Carol, vol. 15, ed. by Lindsay Jones, U.S.A., Thomson Gale pub., 2005.
- J. Hastings, Great Britain, Edinburgh, T & T. Clark, 1980.
- “Mary”, Encyclopedia Britannica (Micropaedia), vol.7, Great Britain, Encyclopaedia Britannica, Inc. 1995.
- “Mary, Saint”, Encyclopedia Americana, Luke T. Johnson, U.S.A., Danbury, Connecticut, Scholastic Library Pub. Inc. 2006.
- Religions of the world, Lewis M. Hopfe, New York & London, MacMillan Pub. Co., Collier MacMillan Pubs., 1987.
- Sacred Origins of Profound Things, Charles Panati, Penguin Books, 1996.

